خبر

دلالان بی‌قاعده باید از بازار حذف شوند

● **ایسنا:** معاون نظارت بانک مرکزی، صادرکنندگان را عامل تزریق حجم بالایی از ارز به بازار آزاد دانست و از پلمب‌شدن صرافی‌های متخلف خبر داد. حمید تهرانفر درباره اینکه ابلاغیه اخیر بانک‌مرکزی برای تعیین میانگین نرخ ارز از سوی کانون صرافان این ابهام را ایجاد می‌کند که مگر صرافان تامین‌کننده ارز در بازار آزادند که باید نرخ را نیز تعیین کنند؟ اظهار کرد: خیر. صرافان تزریق‌کنندگان ارز به بازار نیستند، اما کانون صرافی‌ها تشکلی با انتخاب صرافان است که مدیریت آن می‌تواند هرساله براساس انتخابات تغییر کند. این کانون ارتباط بسیار نزدیک و خوبی با بانک مرکزی داشته و اینکه در بازار چه می‌گذرد، بانک مرکزی باید چه اقدامی انجام دهد که به‌نفع بازار ارز باشد، صرافان چه نیازهایی دارند که بانک مرکزی به آن پاسخ دهد و سایر ضروریات را از طریق آن دریافت می‌کنیم. معاون نظارت بانک مرکزی با اشاره به اینکه برای تعیین نرخ ارز در بازار مرجع خاصی وجود نداشته و کافی است فردی به‌صورت غیرواقعی و جعلی خود را علمدار بازار معرفی کرده و صرافی‌ها به او تأسی کنند، گفت: در روش جدید ابلاغی بانک‌مرکزی، کانون صرافان نرخ‌های ارز صرافی‌ها را دریافت کرده و میانگین موزون آن را هریک‌ساعت یک‌بار اعلام می‌کنند و نرخ قابل‌اجرا در بازار تعیین می‌شود. تهرانفر در مورد اینکه عنوان می‌شود برخی ارگان‌های خاص تامین‌کننده ارز در بازار آزاد هستند یادآور شد: به‌هرحال صادرکنندگان، ارز حاصل از صادرات را که بین چهار تا ۱۰میلیارددلار متغیر است، در بازار ارز به فروش می‌گذارند. البته شرکت‌های معتبر ارز خود را به صرافی‌های معتبر واگذار کرده و برای فروش به سراغ دلالان نمی‌روند. وی با تاکید بر اینکه باید روزی دلالانی که هیچ قاعده‌ای برای فعالیت ندارند از بازار جمع شوند ادامه داد: این در حالی است که صرافانی هم که غیرمجاز بوده و به کانون صرافان وصل نیستند فضایی برای کارکردن نخواهند داشت؛ بنابراین توصیه می‌کنم تمامی صرافان اگر می‌خواهند صراف باقی بمانند، برای دریافت یا تمدید مجوز به بانک‌مرکزی مراجعه کنند و تا دیر نشده در فضای مناسبی که برای آنها مهیا شده، فعالیت کنند. وی همچنین از اقدام بانک‌مرکزی نسبت به پلمب تعدادی از صرافی‌های خیابان فردوسی سخن گفت و افزود: این صرافی‌ها مجوز نداشته و برخی هم صرافی‌هایی بودند که مجوزشان مربوط به اتحادیه طلاوجواهر بوده و باطل شده بود، اما برای دریافت مجوز اقدام نکرده بودند. معاون نظارت بانک‌مرکزی تاکید کرد: در حالی روند جدی این بانک برای پلمب صرافی‌های بدون مجوز و متخلف ادامه خواهد داشت که ما قصد ایجاد مشکل برای آنها را نداریم، اما اگر در این‌باره اقدام نکنند مسوولیت هم با خودشان است.

پیشنهاد نصف‌شدن یارانه ۶۰درصد مردم

● **فارس:** نایب‌رییس کمیسیون مشترک اقتصادی گفت: احتمال دارد مجلس به‌دلیل کاهش قیمت نفت با پیشنهاد دولت مبنی‌بر عدم‌افزایش قیمت حامل‌های انرژی در لایحه بودجه موافقت کند. محمدرضا پورابراهیمی درباره بحث هدفمندی در لایحه بودجه۹۴ اظهار کرد: یکی از مباحث تغییر حامل‌های انرژی است که با توجه به کاهش قیمت نفت در ماه‌های گذشته با پیشنهاد دولت در مورد عدم‌افزایش قیمت حامل‌های انرژی موافقت خواهد شد. وی ادامه داد: کاهش قیمت نفت به مفهوم این است که قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافته است. نایب‌رییس کمیسیون مشترک اقتصادی افزود: دولت در لایحه پیش‌بینی کرده حامل‌های انرژی افزایش یابد. پورابراهیمی با اشاره به اینکه کاهش قیمت جهانی نفت از جهت عدم‌افزایش حامل‌های انرژی و شوک قیمتی در سال آینده یک مزیت است، تصریح کرد: امکان دارد آب‌وبرق تغییراتی داشته باشد و افزایش یابد، اما نفت، بنزین و گازوییل و دیگر موارد سوختی افزایش نخواهد یافت. به گفته این نماینده مجلس، دولت کنونی مانند دولت قبل همچنین موضوع بازپرداخت منابع قانون هدفمندی بخش‌های مختلف و نسبت به احکام بودجه تخطی کرده و استکناف صریح دولت از این احکام تلقی می‌شود. وی در پاسخ به این سوال که وزیر اقتصاد معتقد است بودجه سالانه برای دولت الزام‌آور نیست، یادآور شد: احکام الزام‌آور بوده و دولت باید آن را اجرا کند اگر الزام‌آور نیست چرا در مجلس مصوب و پس از آن به تایید شورای نگهبان رسیده و قانون می‌شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در مورد هدفمندی یارانه‌ها و شناسایی پردرآمدها بیان کرد، احتمالا با دولت توافق کنیم، افراد تحت‌پوشش نهادهای حمایتی مبنای پرداخت یارانه نقدی باشند که ۳۰ تا۴۰درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و یارانه مابقی نصف شود، البته این موضوع یک پیشنهاد است. پورابراهیمی ادامه داد: وزیر اقتصاد گفته آمار ۱۰میلیون‌نفر را دارد و این تعداد می‌تواند حذف شود. این پیشنهادات قابل‌بررسی بوده و پیش‌بینی می‌شود، الزاماتی در لایحه بودجه۹۴ آورده شده تا دولت مکلف به اجرا باشد.

نظام اقتصادی ایران در خدمت بورژوازی مستغلات است

ادامه از صفحه۵

بورژوازی مستغلات در ایران نظام مالی خاص خود را ایجاد کرده، اما این بورژوازی مالی نیست که بورژوازی مستغلات را ایجاد کرده باشد. باید این تحلیل‌ها با دقت انجام گیرد، زیرا در غیر این‌صورت نه‌تنها در این عرصه، بلکه در عرصه‌های دیگر تحلیل اجتماعی ایران که سیاست نیز برآیند آن است، دچار خطاهای بزرگی خواهیم شد. همچنان که می‌بینیم، یکسان‌بینی تمامی جهان در نظام لیبرالیسم به‌سان یک بیماری رادیکالیسم در ایران را گرفتار خود کرده و پشت این پرده بورژوازی مستغلات مشغول بلعیدن منابع حیاتی ایران است.

◣ این مساله روی مسایل اجتماعی کشور نیز تاثیرگذار بوده است. اکنون در اطراف شهرهای بزرگ می‌بینیم بافت‌هایی ایجاد شده که مردم فقیر بسیاری در آن محبوس شده و از زندگی عادی نیز محرومند. چگونه می‌توان این روند را تغییر داد؟

موقعی که تراکم‌فروشی در ایران آغاز شد، دوره قانون زمین شهری برای تملک زمین به پایان می‌رسید. آن موقع در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی پژوهشی انجام دادم که در آن عنوان کردم باید جایگزین سیاست زمین برای قانون زمین شهری داشته باشیم. در آن زمان با قانون زمین شهری به مساحت تمام شهرهای ایران، زمین در تملک دولت بود. در واقع تمام اسباب لازم (زمین) برای حل مساله مسکن به‌عنوان یک عامل مهم وجود داشت. در آنجا عنوان کردیم برای جایگزینی این قانون باید قوانین دیگری را مانند قانون حق تقدم خرید (حق شفعه) را در دستور کار قرار داد. به این معنا که اگر بخش عمومی قصد خرید زمین را داشت، محدود به خرید مساحتی از زمین مشخص نباشد، زیرا در قانون تملک زمین محدودیت مالکیت زمین تا هزارمتر وجود داشت که این قانون در هند و ژاپن نیز به اجرا درآمده و خاص ایران نبود. به‌این‌ترتیب قصد فعال‌کردن سیستم مالیاتی کشور را داشتیم، اما در آن زمان، رییس سازمان برنامه، این سیاست را سوسیالیستی نامید. وی معتقد بود باید زمین را به بازار سپرد. در آنجا در دفاعیه‌ای از طرح موردنظر گفتم ملی‌کردن زمین جزو وظایف انقلاب کبیر فرانسه (۱۸۹۸میلادی) بوده نه وظایف انقلاب اکتبر در سال۱۹۱۷میلادی و سوسیالیستی نیست. برای سرمایه‌داری و ایجاد رقابت در این بازار مستغلات باید رانت زمین برداشته شود، بنابراین ملی‌کردن زمین به‌مثابه دولتی‌کردن آن نیست. به این معنا که با ملی‌کردن زمین، نمی‌توان رانت دریافت کرد زیرا مالکیت زمین مشروط می‌شود و تاکید کردم از آنجا که زمین یک کالای غیرقابل‌انتقال است، قابل‌سپردن به بازار نیست. نئوکلاسیک‌ها نیز معتقدند شکست بازار در مورد بازار زمین رخ می‌دهد. این پایه نادرست از آن زمان گذاشته شد و زمین به بازار سپرده شد. کارل برونی معتقد است سه‌عنصر را نباید به بازار سپرد؛ انسان (نیروی کار)، طبیعت (زمین) و دیگری پول. وی معتقد است فاشیسم به‌دلیل سپردن این سه عنصر به بازار به وجود آمد. اما در ایران، زمین یا همان طبیعت به بازار سپرده شد و نتایج آن را می‌توان در حال حاضر نیز مشاهد کرد، زیرا زمین‌خواری به‌شدت افزایش یافته است. در کنار آن، نیروی انسانی نیز به بازار سپرده شد، زیرا کارگاه‌های زیر ۱۰نفر از شمولیت قانون کار خارج شدند. به این‌ترتیب جلب اعتماد دوباره مردم و بازگرداندن آنها به انجام فعالیت‌های مولد بسیار مشکل خواهد بود. این به بازارسپاری، اقتصاد رانتی را در ایران بزرگ کرد. زمانی که زمین به بازار سپرده شد، در پی آن برنامه‌های مسکن نیز به بازار سپرده شد. به این‌ترتیب تمامی یارانه‌هایی که تا آن زمان در بخش مسکن به بخش تقاضا اعطا می‌شد، یکباره به بخش عرضه سرازیر و این امر موجب فربه‌ترشدن بورژوازی مستغلات در ایران شد و به جای تقویت تعاونی‌های مسکن اعلام شد که تخصیص یارانه به این بخش متوقف می‌شود. در واقع از نیمه‌های دهه۷۰ و از برنامه‌سوم توسعه فربه‌کردن بورژوازی مستغلات به‌طور صریح در دستور کار قرار گرفت. از آن پس پرداخت یارانه‌ها به انبوه‌سازان تعلق گرفت و در ادامه انبوه‌سازی از ساخت ساختمان‌های سه‌طبقه به بالا آغاز شد که در آن به رفع نیازهای اساسی ساکنان توجهی نشد. اگر نگاهی به مجتمع‌های اکباتان، شهرک غرب و هرمزان داشته باشید، در این مجتمع‌ها در یک حرکت عمودی بدون واردشدن به محیط شهر نیازهای ساکنان مجتمع برطرف می‌شد، اما این بورژوازی مستغلات هیچ‌اجباری به چنین عملکردی نداشت و این امر سبب شد تا برج‌هایی ساخته شود که براساس آن ساکنان برای رفع نیازهای خود مجبور به ورود به شهر شوند که این امر اختلالاتی را در سیستم شهری به وجود آورد. این امر سبب شد تا حاشیه سود بورژوازی مستغلات افزایش یابد. بر این اساس، قیمت زمین به‌شدت افزایش یافت و در حالی‌که سهم زمین در آمریکا که اقتصاد آن نئولیبرالی است، به‌طور متوسط ۲۰درصد سهم مسکن را شامل می‌شود، اما این سهم در ایران به ۶۰درصد افزایش یافت و این نشانه‌ای از اقتصاد رانتی است. در گذشته کم‌درآمدها در محیط شهر قرار داشتند و فضا، کم‌درآمدها را از افراد غنی جدا نمی‌کرد، اما در حال حاضر به‌واسطه افزایش نرخ زمین، جداسازی فضای شهری نیز در دستور کار قرار گرفت. به این‌ترتیب انسان نیز از این ناحیه به بازار سپرده شد و نمی‌توانست در شهر حضور داشته باشد و حتی در آن زمان شهردار تهران به صراحت اعلام کرد شهر تهران، شهر پولداران است، چنین حرفی اگر در آمریکا به‌عنوان نماینده نظام نئولیبرالی بیان شود، آن فرد براساس قانون دادگاهی می‌شود، زیرا تبعیض در مسکن و زندگی در شهر به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی، ممنوعیت قانونی دارد. در آمریکا اگر ثابت شود بانکی برای اعطای وام به کم‌درآمدها تبعیض قایل شده، قطعا دادگاهی خواهد شد، اما با این‌حال به چنین اقتصادی نیز مانند اقتصاد اروپا و آمریکا، نئولیبرالی گفته می‌شود! هرچند من با اقتصاد نئولیبرالی در نهایت مخالف هستم، اما با این حال چنین انگی را نمی‌توان به اقتصاد نئولیبرال زد، زیرا این امر سبب می‌شود تا بورژوازی مستغلات پشت این القاب پنهان شود. به این‌ترتیب کم‌درآمدها از تله طبقاتی که در آن قرار داشتند، به تله فضایی نیز گرفتار می‌شوند. در قوانین شهرسازی اروپا و آمریکا، جداسازی غنی و فقیر مجاز شمرده نمی‌شود و باید اقشار در کنار یکدیگر قرار گیرند. این مجاورت سبب می‌شود تا جامعه مدنی قدرت بگیرد و در صورتی که دولت در حل مشکلات آنها ناتوان است، بتواند خودجوش در رفع نیازهای خود اقدام کند. اگر این دوقشر در کنار یکدیگر قرار بگیرند، قشر برخوردار از توان خود برای قشر کم‌برخوردار استفاده می‌کند و درواقع بده‌بستانی در این راستا شکل می‌گیرد، اما وقتی این تله فضایی ایجاد شود، قشر کم‌برخوردار از این امکانات محروم می‌شود. در این صورت تمامی افرادی که به‌صورت جداگانه در حاشیه قرار می‌گیرند، هیچ الگویی برای جامعه‌پذیری ندارند و این در حالی است که از امکانات یک جامعه سالم مانند پارک، کتابخانه و... نیز برخوردار نخواهند بود، زیرا بخش‌هایی که قرار بود به این منظور اختصاص یابد، به بهانه عقلانیت اقتصادی به بورژوازی مستغلات داده شد و حتی فضایی برای ساخت درمانگاه نیز در این مکان‌ها وجود ندارد. در یکی از این مناطق حتی سینمایی وجود ندارد و مردم برای این منظور زیرزمینی را اختصاص داده‌اند که در آن با پخش فیلم از ویدئو سعی در ایجاد سرگرمی می‌کنند. مناطقی مانند شهرک گلستان، خیرآباد، اکبرآباد و... به‌عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی شناخته می‌شوند که مردم آن بسیار مردم شریفی هستند. ۴۰درصد این افراد کارگران کارخانه‌های اطراف شهر تهران هستند و نباید از آنها به‌عنوان مطرودین یاد شود. هرچند به دلیل عدم توجه دولت به این بخش‌ها و جلوگیری از ساخت‌وساز مردم در این مناطق، افراد نابابی در اطراف این بخش‌ها حضور یافته‌اند، اما به سبب بی‌اعتمادی این قشر به دولت‌ها، آنها حاضر به معرفی قاچاقچی‌ای که در کنار آنها زندگی می‌کند، نیستند. زیرا بر این باورند که کسی به حرف‌های آنها بها نمی‌دهد، زیرا حتی نیروی انتظامی نیز حاضر به حضور در این مناطق نیست و از آنها فاصله می‌گیرد. حتی شهرداری به آنها خدمت ارایه نمی‌دهد و ساکنان این مناطق خود دست به استخدام افرادی برای پاکسازی منطقه از زباله می‌زنند. در عوض شهرداری منطقه، کارخانه‌ای را که در آن نزدیکی تعطیل شده تبدیل به مال می‌کند که مردم منطقه توان خرید از آن را ندارند و این امر خود نابهنجاری‌های بزرگ و شکاف آنومی بزرگی را در جامعه شکل می‌دهد. این امر از نظر اجتماعی و سیاسی بسیار خطرناک است، زیرا سرگشتگی و سرخوردگی در این افراد ایجاد می‌کند که خود این مساله تبعات جبران‌ناپذیری را در جامعه به‌وجود می‌آورد. این شکاف می‌تواند منجر به گسترش فحشا و جرم و جنایت می‌شود. در حالی‌که خود دولت به سبب سپردن شهر به بورژوازی مستغلات، نبود برنامه‌های مسکن کافی، عامل اصلی افزایش جرم و جنایت خواهد بود. در حالی که در فرانسه ۴/۵میلیون‌نفر در مسکن اجاره‌ای ارزان‌قیمت (HLM) زندگی می‌کنند که با مسکن اجتماعی‌ای که از سوی دولت مطرح می‌شود، متفاوت است، زیرا ایجاد چنین مجموعه‌ای با درآمد سرانه بالا ممکن است و ایجاد آن با درآمد پایین ممکن نیست. دولت باید مازاد درآمدی داشته باشد که به این امر اختصاص دهد. همچنین در این کشور چیزی حدود ۲۰درصد دیگر از خانوارها کمک‌هزینه اجاره می‌گیرند. یعنی چیزی حدود ۶/۵میلیون نفر از افراد در کشور فرانسه با بهره‌گیری از ۱/۷۵درصد تولید ناخالص ملی از یارانه مسکن استفاده می‌کنند، اما در ایران تنها دودرصد از افراد جامعه که شامل افراد تحت حمایت کمیته‌امداد هستند، از این یارانه برخوردارند. این در حالی است که در ایران دولت برای اجرایی‌کردن مسکن‌مهر چهاردرصد تولید ناخالص را به این امر اختصاص داده و نه نهاد خاصی ساخته و نه بهبودی در سکونتگاه‌های غیررسمی ایجاد شده و معلوم نیست این نقدینگی به کجا رفته است!

عکس: رنوفه رستمی، شرق

تمامی این اتفاقات در حالی به وقوع پیوسته که این امکان در کشور فراهم بوده، اما با سپردن زمین و مسکن به بازار و نبود برنامه مدون برای کم‌درآمدها، چنین امری محقق نشده و در مجموع می‌توان گفت ایران، فاقد سیاست اجتماعی (Social Policy) است؛ یعنی مجموعه‌ای که رفاه اجتماعی در آن تعریف و مسکن نیز به‌عنوان بخشی مهم در نظر گرفته شده باشد. مسکن اجتماعی در جهان پنج‌نوع است. در صورتی که در برنامه‌دوم توسعه تنها به یک‌نوع آن اشاره شده بود، اما در حال حاضر در بازنگری طرح جامع مسکن به هرپنج‌نوع آن توجه شده است که وجه غالب آن نیز که برای کشورهایی مانند کشور ایران که درآمد سرانه آن بالا نیست، کمک‌هزینه اجاره خواهد بود که بخش خصوصی می‌تواند به این حوزه ورود کند، زیرا دولت در حال حاضر نمی‌تواند وارد ساخت‌وساز آن شده یا از آن نگهداری کند، زیرا جامعه مدنی در کشور قدرتمند نیست. اداره مسکن اجتماعی در جهان در دست تعاونی‌هاست در حالی که این نهاد در ایران با بازارسپاری منحل شده است. متاسفانه رادیکالیسم در ایران بر دولتی‌شدن تاکید می‌کند و نه تقویت جامعه مدنی، اما اگر تقویت جامعه مدنی در دستور کار قرار می‌گرفت، جامعه جهت می‌گرفت و کسی نیز توان ایجاد مانع برای آنها را نداشت، چنان‌که در سکونتگاه‌های غیررسمی کشور چنین تعاونی‌هایی به‌صورت خودجوش ایجاد شده و به‌عنوان مثال در این مناطق صندوق‌های پرداخت وام ایجاد کرده‌اند، بدون اینکه نظارت دولتی در کار باشد زیرا بانک‌ها به آنها وام نمی‌دهند. بنا بر پژوهشی که خود انجام داده‌ام، ۹درصد ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به‌نوعی با بانک‌ها سروکار دارند و این امر به این معناست که نظام اقتصادی این افراد را طرد کرده است.

◣ به‌نظر شما این اتفاقات خطاست یا تعمدی در کار است؟

به عقیده من این مسایل ریشه در خطاهای فکری در میان برخی مسوولان دارد، اما در کنار آن، موانع دیگری نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد در این میان سیاست‌زدگی دولت و اپوزیسیون در کنار یکدیگر باعث شده تا مردم عادی قربانی شوند. وقتی متخصصان حاضر در دولت از هرنوع تشکلی در جامعه نگرانند و اپوزیسیون نیز تنها مخالفت با دولت را در این سال‌ها در دستور کار قرار داده است، هیچ عنصری از جامعه مدنی تقویت نمی‌شود. در حالی که تمامی تشکل‌ها در اروپا و آمریکا از دل جامعه مدنی بیرون آمده که در نهایت خواسته‌های آنها تبدیل به قانون شده است.

اگر نگاهی به اتفاقات دوران دکتر مصدق داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که مصدق قصد انجام چه خدمتی را به کشور داشت. مصدق تمام تلاش خود را به کار برد تا نظام سرمایه‌داری را به یک رابطه اجتماعی و نه یک رابطه اقتصادی صرف تبدیل کند. در حالی‌که اکنون یک عقلانیت تنزل‌یافته‌ای به نام عقلانیت اقتصادی و امر قدرت‌گیری را با نام عقلانیت اجتماعی عنوان می‌کنند و رابطه اجتماعی مولد و سازنده مورد بحث قرار نمی‌گیرد و این امر موجب اثرات منفی روی دیگر بخش‌ها می‌شود. تجربه موفق کشور آلمان نشان می‌دهد که اگر بازار اجتماعی شده در دستور کار قرار گیرد، موفقیت اقتصادی و اجتماعی توامان ایجاد خواهد شد. وزیر اقتصاد آلمان بر این تاکید دارد که اقتصاد آلمان، نه متکی بر نظام سرمایه‌داری و نه سوسیالیستی است، بلکه بازار اجتماعی‌شده در این کشور حکمفرماست. به عقیده من با بازار اجتماعی‌شده می‌توانیم به مشکلاتی که در شرایط حاضر در کشور وجود دارد، فائق شویم. مشکل مسکن را نه دولت به تنهایی می‌تواند حل کند و نه مردم و نه بازار. بلکه تمامی این مشکلات با نهادسازی حل خواهد شد. نهادسازی، یعنی اجتماعی‌شدن فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و... . شنیدن این پیام از سوی مسوولان بخش دولتی و اپوزیسیون بسیار ضروری است که باید از بازارسپاری و دولت‌سپاری جامعه پرهیز کرد.

سیاست‌زدگی دولت و اپوزیسیون در کنار یکدیگر باعث شده تا مردم عادی قربانی شوند. وقتی متخصصان حاضر در دولت از هرنوع تشکلی در جامعه نگرانند و اپوزیسیون نیز تنها مخالفت با دولت را در این سال‌ها در دستور کار قرار داده است، هیچ عنصری از جامعه مدنی تقویت نمی‌شود. در حالی که تمامی تشکل‌ها در اروپا و آمریکا از دل جامعه مدنی بیرون آمده که در نهایت خواسته‌های آنها تبدیل به قانون شده است

گذر

ماجرای دلارهای منجمدشده ایران در خارج از کشور

● **مهر:** رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران با بیان اینکه صدمیلیارددلار متعلق به ایران در برخی کشورها منجمد شده است، گفت: هم‌اکنون ذخایر ارزی ایران در موقعیت بی‌نظیری قرار دارد و تنها باید مدیریت شود. یحیی آل‌اسحاق در تشریح شاخه‌های تقاضایی ارز نیز گفت: نیازی که تجار برای واردات، بیماران برای درمان و دانشجویان برای تحصیل دارند، باید تامین شود و در آن شکی نیست، اما باید بر آن مدیریت کرد؛ البته نکته اصلی بر مدیریت ارز به‌عنوان عامل پس‌انداز عده‌ای از مردم است؛ هم‌اکنون به‌دلیل فضایی که در اقتصاد ایران وجود دارد، ارز به‌عنوان عامل حفظ ارزش‌ها و سوداگری، برای عده‌ای تلقی می‌شود؛ بنابراین باید با اعتمادسازی و فضاسازی، مساله نگهداری درآمدها را مدیریت کرده و حفظ ارزش‌ها را با دلار صورت ندهیم، به‌نحوی که سفته‌بازی در بازار ارز را کنترل کرده و در رابطه با عرضه و تقاضای ارز از نظامات کنترلی بهینه استفاده کنیم.

پیش‌بینی نفت ۲۰۰ دلاری توسط دبیرکل اوپک

● **فارس:** دبیرکل اوپک بدون اشاره به زمان مشخص اعلام کرد در صورت وقوع کمبود انرژی قابل‌توجه، قیمت نفت می‌تواند به ۲۰۰دلار در هربشکه نیز افزایش یابد. سالم البدری اعلام کرد کاهش سرمایه‌گذاری در شرایط کنونی می‌تواند قیمت نفت را در سال‌های آینده به ۲۰۰دلار در هربشکه افزایش دهد. به گزارش راشاتودی این مقام نفتی بین‌المللی اعلام کرد درحال‌حاضر نفت با قیمت حدود ۴۵ تا ۵۵دلار در هربشکه احتمالا به کف قیمتی خود رسیده است و در آینده ما شاهد افزایش آن خواهیم بود. وی ادامه داد کاهش سرمایه‌گذاری‌های نفتی در شرایط کنونی می‌تواند به کمبود قابل‌توجه انرژی در آینده بینجامد. وی افزود فرض کنید ما تولید خود را کاهش دهیم، در این شرایط مازاد ظرفیت روی می‌دهد و تولیدکنندگان در زمانی‌که مازاد ظرفیت تولید دارند، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. البدری اعلام کرد کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند به کمبود انرژی در سه تا چهارسال آینده منجر شود و همین امر می‌تواند شرایط سال۲۰۰۸ و افزایش شدید قیمت نفت را تکرار کند.